

تأثیر یادگیری تجربی بر پیشرفت کارآفرینی دانشجویان

(طباطبایی حکیم. لیلا سادات)*^۱. (سیدنقوی. میرعلی)^۲. (رضایی منش. بهروز)^۳

۱- کارشناس ارشد مدیریت کارآفرینی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

۲- دکترای مدیریت دولتی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

۳- دکترای مدیریت دولتی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۲/۱۶ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۴/۲۴)

چکیده

مطالعات کارآفرینی نشان می‌دهد که آموزش کارآفرینی یکی از ابعاد مهم و ضروری در برنامه‌های توسعه کارآفرینی جامعه است. کلید آموزش کارآفرینی موفق، یافتن موثرترین روش برای مدیریت مهارت‌های تعلیم پذیرنده و فنون تدریس است؛ چنانچه مدرسین از اصول و مفاهیم برگزاری دوره‌های کارآفرینی مطلع باشند ولی از شیوه‌ای صحیح برای انتقال این مفاهیم استفاده نکنند، هیچ تضمینی برای اثربخشی این دوره‌ها وجود نخواهد داشت.

هدف از انجام این تحقیق مقایسه میزان استفاده از یادگیری تجربی در آموزش مدیریت کارآفرینی در دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران و دانشکده مدیریت دانشگاه علامه طباطبایی و بررسی تأثیر استفاده از آن بر پیشرفت کارآفرینی دانشجویان و دانش‌آموختگان است. بدین منظور بر اساس فرمول کوکران، تعداد ۶۶ نفر از مجموع ۷۹ نفر دانشجوی سال آخر دانشگاه علامه طباطبایی و ۲۲۰ نفر از ۵۱۴ دانشجوی سال آخر و فارغ‌التحصیلان دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران به‌عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. این تحقیق از نوع تحقیقات کاربردی و به‌لحاظ ماهیت، توصیفی و از نوع علی مقایسه‌ای است که به‌شیوه کتابخانه‌ای و تطبیقی انجام شده است. ابزار جمع‌آوری داده‌ها، پرسش‌نامه‌ای محقق‌ساخته است که روایی محتوایی آن بر اساس نظر صاحب‌نظران و پایایی آن براساس آلفای کرونباخ به‌میزان هشتاد درصد تأیید گردید. نتایج تحقیق نشان داد که استفاده بیشتر از یادگیری تجربی در آموزش کارآفرینی به تأثیرگذاری بیشتر دوره‌های آموزشی کارآفرینی در راستای فعالیت کارآفرینانه دانشجویان منجر می‌شود.

واژگان کلیدی: کارآفرینی، آموزش کارآفرینی، یادگیری تجربی، روش‌های آموزش کارآفرینی

۱- مقدمه

تحقیقات اخیر بر نقش حیاتی آموزش کارآفرینی در افزایش قابلیت‌های رشد پایدار، فعالیت‌های اقتصادی و مشارکت سرمایه‌گذاران تاکید دارند. آموزش کارآفرینی مهم است زیرا کارآفرینان بالقوه را تشویق می‌کند و به ورود جریان عظیمی از ایده‌ها و کارآفرینان به جامعه کمک می‌کند. با این حال، هنوز هم آشفتنگی‌های مفهومی قابل توجهی در مورد ماهیت آموزش کارآفرینی و هدف‌های آن وجود دارد [۱۲]. مطالعات اخیر نشان می‌دهند آموزش کارآفرینی نقش مهمی در پرورش روحیه کارآفرینی دانشجویان ایفا می‌کند. با توجه به گفته کول ورد و موئن (۱۹۹۷) دانشجویانی که حداقل یک دوره کارآفرینی را گذرانده‌اند علاقه بیشتری به کارآفرینی نشان داده و در مقابل چالش‌های شروع کسب و کار نسبت به سایر دانشجویان کارآفرینانه‌تر عمل کرده‌اند [۸]. آموزش کارآفرینی و روش‌های فعال برای یادگیرندگان به وسیله پژوهش‌های گسترده‌ای مورد مطالعه قرار گرفته است و روش‌های تدریس بسیار متفاوتی در تدریس کارآفرینی وجود دارد [۱۴]. کلید آموزش کارآفرینی موفق، یافتن موثرترین روش برای مدیریت مهارت‌های تعلیم‌پذیرنده و فنون تدریس است. علی‌رغم تنوع بالای روش‌های آموزش کارآفرینی، روش تدریس استاندارد جهانی در زمینه آموزش کارآفرینی وجود ندارد [۱]. سورهییم و راسموسن (۲۰۰۶) به این نتیجه دست یافتند که در روش‌های آموزش کارآفرینی باید بیشتر از روش‌های مبتنی بر عمل و یادگیری گروهی استفاده شود [۴]. نوشته‌ها و تحقیقات بیان می‌کنند که غالباً یادگیری که در زمینه کارآفرینی صورت می‌پذیرد، از طریق تجربه به دست می‌آید [۲].

با توجه به تاکید پژوهشگران بر استفاده از یادگیری‌های تجربی و عملی در آموزش کارآفرینی، پس از بیان ادبیات نظری، به بررسی تأثیر استفاده از این روش‌ها در دوره آموزشی مدیریت کارآفرینی پرداخته شده است.

۲- مروری بر مبانی نظری

۲-۱- مفهوم کارآفرینی

شومپیتر (۱۹۱۱) کارآفرین را به‌عنوان شخصی معرفی می‌کند که نظم اقتصادی موجود را در راستای کسب سود تخریب می‌کند. از نظر همیلتون و هارپر (۱۹۹۴) کارآفرین فردی است که مخاطره را به‌منظور استفاده از یک نوآوری تحمل می‌کند. تامپسون (۱۹۹۹) کارآفرین را کسی می‌داند که قادر

به کشف و بهره برداری از یک فرصت کسب و کار باشد [۸]. از زمانی که کارآفرینی در قرن هجدهم تعریف شد، به عنوان یک زمینه مطالعه، به حرفه و ابزاری برای توسعه اقتصادی ملت‌ها گسترش یافت. بیش از نیم قرن است که کارآفرینی به عنوان یک حوزه علمی مورد توجه دانشگاه‌های معتبر دنیا مانند هاروارد، بابشون، ام ای تی، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی از جمله سازمان بین‌المللی کار و بانک جهانی می‌باشد. سازمان همکاری اقتصادی و توسعه آموزش، زیرساخت‌ها، دولت و نهادها را به عنوان عناصر مهم توسعه اقتصادی یک کشور معرفی کرده است [۸]. غفلت ورزیدن در هر یک از این زمینه‌ها می‌تواند فرایند توسعه را کند یا حتی متوقف کند [۵].

کنز (۲۰۰۵) در مورد افزایش توجه به آموزش کارآفرینی و افزایش دوره‌های کارآفرینی می‌گوید؛ "از اولین دوره آموزش کارآفرینی در آمریکا (۱۹۴۷) که در دانشگاه هاروارد برگزار گردید، این زمینه آموزشی به ۲۲۰۰ دوره کارآفرینی و کسب و کار کوچک افزایش یافته است که در ۱۶۰۰ مرکز آموزشی در آمریکا ارائه می‌شوند و بیش از ۱۲۰۰۰ دانشجو در آن ثبت نام کرده‌اند. اشمیتز (۱۹۸۹) معتقد است که آموزش کارآفرینی، افراد را در راستای توسعه مهارت کارآفرینی و برگزیدن آن به عنوان یک مسیر شغلی آماده می‌سازد. کریسمن و همکاران (۱۹۹۵) اجرای برنامه‌های آموزشی جهت موفقیت کارآفرینان و عرضه موثر این افراد را در جامعه ضروری می‌دانند [۱۷].

در ایران اولین دانشکده کارآفرینی در سال ۱۳۸۶ به طور رسمی در دانشکده کارآفرینی افتتاح گردید و از آغاز سال تحصیلی ۸۷-۸۶ در دو مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشجو پذیرفته است. هم‌اکنون رشته مدیریت کارآفرینی علاوه بر دانشگاه تهران در دانشگاه‌های شهید بهشتی، علامه طباطبایی، سمنان و تعدادی دانشگاه دیگر در مقطع کارشناسی ارشد در حال اجرا است.

۲-۲- روش‌های آموزش کارآفرینی

کارآفرینی را می‌توان از روش‌های متفاوت آموزشی، آموزش داد [۱۱]. از نگاه تیمونز و استیونسون (۱۹۸۵) از راه ترکیب تجارب و فعالیت‌های رسمی و آموزشی می‌توان به آموزش کارآفرینی پرداخت [۶].

روش‌های آموزشی ممکن است تا حد معناداری از لحاظ محتوا با هم متفاوت باشند. این تفاوت به واسطه میزان ترکیب تئوری و عمل در آنها به وجود می‌آید [۱۲]. روش‌های متداول آموزشی در

جدول شماره ۱ نشان داده شده است. ماریتز (۲۰۱۰) کاربردها و ارزیابی ابتکارات آموزشی کارآفرینی را شناسایی کرده است.

جدول ۱- روش‌های رایج آموزشی در کارآفرینی [۱۲]

ادبیات اشاره کننده	شرح	روش‌ها
Wyckham and Wedley, ۱۹۹۰/ Honig and Karlsson, ۲۰۰۴/ Mason and Stark, ۲۰۰۴/ Hindle and Mainprize, ۲۰۰۶/ Liao and Gartner, ۲۰۰۶/ Hindle, ۲۰۰۷/ Lange et al, ۲۰۰۷/ OECD, ۲۰۰۸	اگرچه نوعاً معیاری برای بازدهی است اما زمانی که بازدهی بلندمدت، ایجاد فعالیت‌های جدید و مخاطره‌آمیز باشد به‌عنوان نوعی روش به‌حساب می‌آید. طرح‌های کسب و کار را می‌توان به‌صورت گروهی یا فردی تهیه کرد؛ رقابت در این زمینه نیز بسیار متداول بوده و بهتر است از یک طرح قابل اجرا (الگو برداری) شود.	طرح کسب و کار
/Hytti and Gorman, ۲۰۰۴ Hytti and Kuopusjarvi ۲۰۰۴	شرکت‌کنندگان یک فعالیت مخاطره‌آمیز واقعی و یا یک نوع مجازی از آن (مثلاً برنامه‌های رابانه‌ای کمکی) را آغاز و مدیریت می‌کنند. از مطالعات موردی نیز در این روش می‌توان استفاده کرد.	شبیه‌سازی کسب و کار
Shepherd, ۲۰۰۴/ Hegarty, ۲۰۰۶	معرفی و بحث در مورد شرکت‌ها و کارآفرینان واقعی که در راه‌اندازی فعالیت‌های مخاطره‌آمیز و جدید خود موفقیت یا شکستی داشته‌اند. در این زمینه باید به مشکلاتی توجه کرد که به احتمال زیاد کارآفرینان بالقوه با آنها روبه‌رو هستند.	مطالعه‌های موردی
Hytti and Gorman, ۲۰۰۴/ Shepherd, ۲۰۰۴/ Hegarty, ۲۰۰۶/ OECD, ۲۰۰۸	سخنرانی‌ها نوعاً به‌وسیله استفاده از متون کتاب درسی انجام می‌شوند و شامل موضوعاتی مانند بازاریابی، حسابداری، تامین مالی، استراتژی و غیره است.	سخنرانی‌های کلاسی
OECD, ۲۰۰۸	انجمن‌ها و شبکه‌ها می‌توانند به‌منظور مباحثه در مورد مسائل کارآفرینی و برای کمک افراد متقاضی حمایت، ایجاد شوند.	انجمن‌ها و شبکه‌ها
Sexton and Upton ۱۹۸۷/ Solomon et al, ۱۹۹۴	ارائه مهارت‌هایی شامل استفاده از پاورپوینت، سخنرانی عمومی، مکتوبات و غیره	آموزش ارتباطات

ادبیات اشاره کننده	شرح	روش‌ها
Vesper, ۱۹۸۶	معمولاً برای تعیین ارزش عملی کردن یک طرح کسب و کار و نتیجه یک فعالیت مخاطره‌آمیز استفاده می‌شود.	مطالعه‌های امکان‌پذیری
Solomon et al, ۱۹۹۴/ Hytti and Gorman, ۲۰۰۴/ Hytti and Kuopusjarvi ۲۰۰۴/Hegarty, ۲۰۰۶	می‌تواند شامل برنامه‌های کمکی رایانه‌ای یا رقابت‌هایی در زمینه طرح کسب و کار باشد. روشی تجربی و بسیار متداول برای ایجاد ابهام و تصمیم‌گیری واقعی است که در آن نتایج منطقی حاصل می‌شوند.	مسابقات و رقابت‌ها
Shepherd, ۲۰۰۴/Hegarty, ۲۰۰۶/Brand et al, ۲۰۰۷	ارائه نمونه‌ای از جامعه کسب و کار محلی که شامل دارندگان کسب و کارهای جدید و افراد دارای تخصص در موضوعی مانند حسابداری و بازاریابی و دیگر زمینه‌ها می‌شود. این روش فرصتی عالی برای برنامه‌های آموزش کارآفرینی برای برقراری ارتباط با جامعه کسب و کار است.	سخنران مهمان
Hytti and Gorman, ۲۰۰۴/ Hytti and Kuopusjarvi ۲۰۰۴	مربی‌گری گروهی و/یا فردی برای ارائه مشورت در مورد ایده کسب و کار و موضوعی خاص از کسب و کار است (مثلاً حسابداری)؛ مربیان معمولاً معلمان، افراد دارای کسب و کار، کارآفرینان یا دیگر متخصصان مربوطه هستند.	مشاوره توسط مربیان
Solomon et al, ۱۹۹۴/OECD, ۲۰۰۸	به کار گماشته شدن توسط کسب و کارهای کوچک به شرکت‌کنندگان امکان می‌دهد تا در پروژه‌های توسعه کسب و کار همکاری داشته باشند. این روش می‌تواند منابع و زمانی را برای آماده‌سازی دانشجویان فراهم کند. شرکت‌کنندگان در محدوده شرکت موجود، می‌توانند کسب و کار مخاطره‌آمیز جدیدی را ایجاد کنند.	به کار گماشته شدن به وسیله کسب و کارهای کوچک/ مشاوره پروژه‌ها
Hytti and Gorman, ۲۰۰۴/ Hytti and Kuopusjarvi ۲۰۰۴	دانشجویان برای مدتی در یک سازمان مشغول به کار می‌شوند.	کارآموزی
Hytti and Gorman, ۲۰۰۴/ Hytti and Kuopusjarvi ۲۰۰۴	شرکت‌های حقیقی که در چارچوب برنامه راه‌اندازی و مدیریت می‌شوند.	راه‌اندازی یک کسب و کار
Hytti and Gorman, ۲۰۰۴/ Hytti and Kuopusjarvi ۲۰۰۴	شرکت‌کنندگان از یک شرکت کارآفرین بازدید می‌کنند تا با عملکردهای درونی یک شرکت بیشتر آشنا شوند.	بازدیدهای تحقیقاتی
/Hytti and Gorman, ۲۰۰۴ Hytti and Kuopusjarvi ۲۰۰۴	می‌تواند به معنای کار گروهی، مباحث گروهی یا کار پروژه‌محور باشد.	کارگاه‌ها

ماریتز و براون مطابق جدول زیر انواع روش‌های مورد استفاده در آموزش کارآفرینی را بر اساس نظر پژوهش‌گران در طیفی از سنتی تا تجربی سازمان‌دهی کرده‌اند؛

جدول ۲- روش‌ها و برنامه‌های آموزشی سنتی و تجربی در آموزش کارآفرینی [۱۲]

آموزش سنتی	آموزش تجربی	نظریه پردازان
مطالعه اختصاصی سخنرانی	مطالعه موردی	هیلز (۱۹۹۸)
سخنرانی	طرح تجاری	سخنران میهمان
مادل‌های ایفای نقش		
کار کلاسی	آموزن‌ها	پروژه‌ها
سخنرانی متخصصان	طرح تجاری	ایفای نقش
شبیه‌سازی‌های کامپیوتری		
تعامل با همتایان	فعالیت‌های حل مسأله	دست به‌خطا زدن
سخنرانی	مطالعات موردی	طرح تجاری
کارگاه‌ها	سمینار	طراحی نرم‌افزاری
محصول		بازی‌های شبیه‌سازی
سخنرانی	جزوات	ویدئوها
سخنران میهمان	به‌کار گماشته‌شدن	ایفای نقش
موارد تصادفی		شبیه‌سازی‌های رفتاری
سخنرانی	مطالعات موردی	کارگروهی
کارگاه‌ها	مشاوره	بازدیدهای
مطالعاتی		بازیه‌ها/ رقابت‌ها
شبیه‌سازی		کسب‌وکار
سخنرانی	مطالعات موردی	سخنران میهمان
کار تیمی		رقابت‌ها
آموزش الکترونیکی		
ویدئوها	زندگی‌نامه‌ها	مطالعه موارد چاپی
کلاسیک		شبیه‌سازی کامپیوتر
شبیه‌سازی‌های رفتاری		
پویایی گروهی		فعالیت‌های ناآشنا (عدم قطعیت و ابهام)
کوپ و پیتوی (۲۰۰۷)		

به گفته کیری (۲۰۰۲) روش سنتی سخنرانی کلاسی با تمام قابلیت‌های پیش‌بینی‌اش، به دلیل عدم ملاحظه روند کارآفرینی، نمی‌تواند مؤثرترین روش باشد. در حقیقت رویکردهای سنتی تدریس ممکن است مانع توسعه مهارت‌ها و گرایش‌های مورد نیاز کارآفرینی باشند [۱۱].

امروزه روش‌های غیر سنتی یا تجربی در آموزش کارآفرینی کاربرد بیشتری پیدا کرده‌اند. یادگیری «تجربی» می‌تواند برای آموزش کارآفرینی سودمندتر باشد. بسیاری از محققین از تدریس کارآفرینی با شیوه یادگیری عملی، طرفداری کرده‌اند (از جمله با جک و اندرسون، ۱۹۹۹؛ لئچ و هریسون، ۱۹۹۹؛ هیتی و آگورمن، ۲۰۰۴) و بر این باورند که کارآفرینی باید به‌عنوان یک فرایند، نه فقط یک اتفاق دیده شود [۱۲].

روش‌های آموزشی سنتی به صورت مستقیم با جنبه‌های عاطفی و رفتاری کسب و کار همراه نیستند و درک دانشجو از تمرین کارآفرینی را محدود می‌سازد. اسپچ و سندلین (۱۹۹۱) و مک مولان و بوبرگ (۱۹۹۱) نشان دادند که برنامه‌های آموزشی از تدریس سنتی به سمت روش‌های مبتنی بر تجربه حرکت کرده‌اند. روش‌هایی که در آنها ماندگاری، درک مفاهیم و به‌کارگیری دانش افزایش یافته است. مفاهیم از درک بیشتر واقعیت کسب می‌شوند و زمینه مناسب‌تری برای دانش در فرد به وجود آورند [۱۰].

۳-۲- یادگیری تجربی

یادگیری تجربی برای سال‌های متمادی، یک مفهوم مورد علاقه برای مربیان رشته‌های گوناگون بود. البته مدافعین و منتقدین آن زیاد و مختلف هستند (مانند هاجینگ و ووتز دورف، ۱۹۸۸؛ هنری، ۱۹۸۹؛ باوند، ۱۹۸۹؛ وایلدمرچ، ۱۹۸۹؛ پیترسون، ۱۹۸۹؛ والترو مارکز، ۱۹۸۱؛ کلب، ۱۹۸۴). یادگیری تجربی به‌عنوان توالی از رویدادها تعریف می‌شود که نیازمند درگیری فعال دانشجو در موضوعات مختلف است. اهداف متعددی برای یادگیری تجربی وجود دارند اما هدف اصلی این است که شخص به وسیله درگیری فعال به بهترین صورت یاد بگیرد. کولمن (۱۹۷۶) اعتقاد داشت که یادگیری تجربی مزایای زیادی دارد و به انگیزش درونی فرد وابسته است. مهمتر از آن اینکه کولمن اعتقاد داشت یادگیری از طریق مفاهیم تجربی نسبت به یادگیری از طریق اطلاعات کسب شده از کلاس سنتی، سخت‌تر فراموش شوند [۷].

مفاهیم آموزشی تجربی در قرن گذشته در اشکال مختلفی وجود داشته‌اند ولی نخستین اظهار نظر قابل توجه درباره این موضوع در سال ۱۹۷۱ هنگامی حاصل شد که دیوید کلب با راجر فرای روی کار کرت لوین برای پیش بردن مفهوم تئوری یادگیری تجربی مشغول همکاری بودند. این امر با انتشار کتاب کلب در مورد آموزش تجربی در سال ۱۹۸۴ رسمیت یافت که در آن کلب نوعی فرآیند یادگیری جامع بر مبنای تجربه را با ترکیب تحقیقاتی از افرادی مانند کرت لوین، جان دیوی، جین پی‌گت، ویلیام جیمز، کارل جانگ، پائولو فیرو و کارل راجرز توسعه داد. در تئوری یادگیری تجربی، یادگیری به صورت "فرآیندی تعریف می‌شود که به وسیله آن دانش از طریق انتقال تجربه ساخته می‌شود". دانش از ترکیب به دست آوردن تجربه و تغییر شکل دادن آن حاصل می‌شود [۱۵].

۴-۲- یادگیری تجربی و کارآفرینی

کارآفرینی چیزی است که شما در عمل می‌آموزید. تئوری و عمل کارآفرینی در هم تنیده‌اند. به همین علت چرخه یادگیری ارائه شده توسط کلب (۱۹۸۴) یکی از روش‌های تدریس رایج مورد استفاده است.

طبق این چرخه یادگیری چهار مرحله وجود دارد که به هم مرتبط هستند:

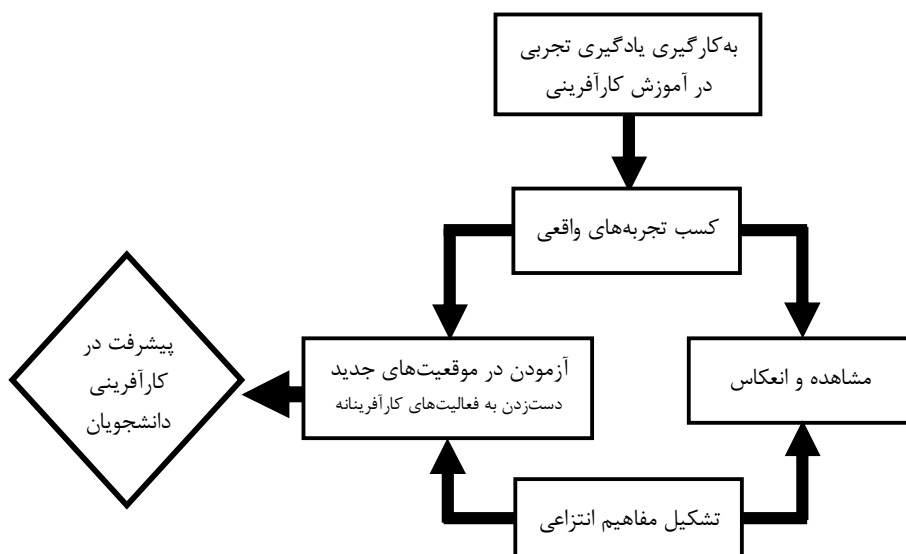
۱- تجربه واقعی ("انجام دادن" و "تجربه")

۲- بازتاب (بازتاب بر تجربه)

۳- مفهوم‌سازی (یادگرفتن از تجربه)

۴- آزمودن (تبدیل آموخته‌ها به عمل).

شخص در یک سبک چرخشی مداوم می‌آموزد که چگونه دو سبک متضاد مشاهده انعکاسی در مقابل آزمایش فعال و تجربیات واقعی در مقابل ادراکات انتزاعی را تطبیق دهد. مدل مفهومی زیر برگرفته از چرخه یادگیری کلب (۱۹۸۴) است که چگونگی تأثیر استفاده از یادگیری تجربی بر پیشرفت کارآفرینی دانشجویان را نشان می‌دهد؛



شکل ۱- چگونگی تأثیر استفاده از یادگیری تجربی بر پیشرفت کارآفرینی دانشجویان

یادگیری عملی روشی است که در آن شرکت‌کنندگان نقش اصلی را دارند و معلمان به‌عنوان مربی یا تسهیل‌کننده یادگیری عمل می‌کنند [۱۷]. کارآفرینی به‌خاطر ماهیت بسیار غیر قابل پیش‌بینی‌اش، از سبک تدریسی بهره می‌جوید که هدف آن بازتاب خطر و غیرقابل پیش‌بینی بودن (عدم قطعیت) است [۱۸]. دانشجویان با استفاده از نمونه‌های تجربی می‌توانند تمرین کنند و از شکست‌ها درس بیاموزند. مهارت‌های مدیریتی را می‌توان از طریق عملکردها و تجارب شرکت‌کنندگان در این برنامه‌ها به‌عنوان بخشی از آن آموخت. متقابلاً، جایی که دانش و مهارت از طریق روش‌های سنتی تدریس آموخته می‌شوند، هونیک (۲۰۰۴) استدلال می‌کند؛ «چنین روش‌هایی برخلاف فنون غیررسمی اغلب در انتقال به محیط واقعی با شکست روبه رو می‌شوند». سولومون و همکارانش در سال ۱۹۹۴ نسبت به حرکت به‌سوی روش‌های تجربه‌محور و غیرمعمول برای تدریس و ارزیابی اظهار امیدواری کردند.

هرمن و همکاران (۲۰۰۸) این‌طور استدلال کردند که در آموزش کارآفرینانه به‌منظور عرضه فن موجود در دنیای واقعی باید تغییر جهتی از مدل‌های انتقالی تدریس (یادگیری درباره) به یادگیری تجربی (یادگیری برای) انجام پذیرد [۱۶].

۳- روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق از نوع تحقیقات توصیفی و روش اجرای آن به صورت علی مقایسه‌ای است. جامعه آماری این تحقیق را دانشجویان سال آخر و دانش‌آموختگان کارشناسی ارشد مدیریت کارآفرینی دانشگاه علامه طباطبایی و دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران تشکیل می‌دهند. برای تعیین حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۶۶ نفر از ۷۹ دانشجوی سال آخر و دانش‌آموخته مدیریت کارآفرینی دانشگاه علامه طباطبایی و تعداد ۲۲۰ نفر از ۵۱۴ دانشجوی سال آخر و دانش‌آموخته مدیریت کارآفرینی دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران انتخاب شدند. همه این دانشجویان ورودی ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ بودند.

به منظور گردآوری داده‌های تحقیق از روش کتابخانه‌ای (فیش‌برداری) و مطالعات اینترنتی و از پرسش‌نامه نگرش‌سنج محقق‌ساخته استفاده شده است. سؤالات پرسش‌نامه شامل سه بخش می‌باشند؛ بخش اول میزان تغییر مراحل و پیشرفت جایگاه کارآفرینی افراد را مورد بررسی قرار می‌دهد. بخش دوم شامل سؤالات مربوط دیدگاه دانشجویان در مورد میزان استفاده از انواع روش‌های تدریس در دوره مدیریت کارآفرینی است. روایی پرسش‌نامه از طریق تأیید اساتید و افراد صاحب نظر در زمینه کارآفرینی تأیید گردید. برای سنجش پایایی نیز، پرسش‌نامه به صورت آزمایشی بین ۱۵ نفر از اعضای جامعه آماری توزیع شده و از پاسخ‌دهندگان خواسته شد ضمن پاسخ به سؤالات، موارد نامفهوم را با علامت مشخص کنند. پس از جمع‌آوری پرسش‌نامه‌ها ضریب آلفای کرونباخ مقدار هشتاد درصد محاسبه گردید.

۴- یافته‌ها

فرضیه شماره ۱: بین دوره‌های آموزش مدیریت کارآفرینی دانشگاه تهران و دانشگاه علامه طباطبایی از لحاظ استفاده از یادگیری تجربی تفاوت معناداری وجود دارد.

به منظور مشخص کردن تفاوت موجود بین استفاده از روش‌های آموزش کارآفرینی بین دو گروه، از دانشجویان خواسته شد با استفاده از طیف لیکرت عدم استفاده یا میزان استفاده از روش‌های مختلف را مشخص کنند. نظرات دانشجویان در مورد تفاوت روش‌های آموزشی مورد استفاده در دو دانشکده در جدول صفحه بعد قابل مشاهده است؛

جدول ۳- متداول ترین روش‌های آموزش کارآفرینی در دانشگاه علامه طباطبایی

رتبه	روش	متداول ترین روش‌ها	
		میزان استفاده	امتیاز
۱	امتحانات و جزوات	بسیار زیاد	۴/۲۱
۲	ارائه‌های کلاسی	بسیار زیاد	۴/۱۴
۳	سخنرانی استاد	زیاد	۳/۶۱
۴	مقالات	زیاد	۳/۴۶
۵	کار کلاسی	زیاد	۳/۳۹
۶	مطالعه متون مرتبط	زیاد	۳/۲۱
۷	نوشتن طرح تجاری	تاحدی	۲/۹۶
۸	مطالعات موردی	تاحدی	۲/۷۹
۹	مطالعه زندگی کارآفرینان	تاحدی	۲/۷۵
۱۰	آموزش الکترونیکی	تاحدی	۲/۲۵
۱۱	مطالعات امکان‌پذیری	تاحدی	۲/۱۱
۱۲	فیلم ویدئویی	تاحدی	۲/۱۱
۱۳	سخنران مهمان	تاحدی	۲/۰۴
۱۴	فعالیت‌های حل مسأله	کم	۱/۷۹
۱۵	ایجاد شبکه‌های ارتباطی	کم	۱/۵۰
۱۶	برگزاری کارگاه‌ها	کم	۱/۳۹
۱۷	کارآموزی	کم	۱/۳۹
۱۸	بازدیدهای مطالعاتی	عدم استفاده	۰/۷۳
۱۹	شبیه‌سازی کسب و کار	عدم استفاده	۰/۲۹
۲۰	شبیه‌سازی رایانه‌ای	عدم استفاده	۰/۲۹

جدول ۴- متداول ترین روش‌های آموزش کارآفرینی در دانشگاه تهران

رتبه	روش	متداول ترین روش‌ها	
		میزان استفاده	امتیاز
۱	سخنرانی استاد	بسیار زیاد	۴/۱۸
۲	نوشتن طرح تجاری	بسیار زیاد	۴/۰۴
۳	سخنران مهمان	بسیار زیاد	۴/۰۱
۴	ایجاد شبکه‌های ارتباطی	زیاد	۳/۸۸
۵	بازدیدهای مطالعاتی	زیاد	۳/۶۰
۶	کار کلاسی	زیاد	۳/۵۱
۷	فیلم ویدئویی	زیاد	۳/۳۶
۸	برگزاری کارگاه‌ها	زیاد	۳/۱۹
۹	ارائه‌های کلاسی	تاحدی	۲/۶۵
۱۰	مطالعه زندگی کارآفرینان	تاحدی	۲/۵۶
۱۱	آموزش الکترونیکی	تاحدی	۲/۳۹
۱۲	مطالعه متون مرتبط	تاحدی	۲/۱۱
۱۳	امتحانات و جزوات	تاحدی	۲/۰۶
۱۴	فعالیت‌های حل مسأله	تاحدی	۱/۸۱
۱۵	مقالات	تاحدی	۱/۶۸
۱۶	مطالعات موردی	تاحدی	۱/۳۹
۱۷	مطالعات امکان‌پذیری	کم	۱/۱۲
۱۸	کارآموزی	کم	۱/۰۲
۱۹	شبیه‌سازی کسب و کار	عدم استفاده	۰/۲۹
۲۰	شبیه‌سازی کامپیوتری	عدم استفاده	۰/۲۹

براساس پاسخ‌های به‌دست آمده این‌گونه استنباط می‌شود که برنامه آموزش کارآفرینی در دانشگاه علامه طباطبایی بیشتر بر آموزش‌های سنتی مانند امتحانات و جزوات، ارائه‌های کلاسی، سخنرانی استاد و مقالات متکی است و بنا به نظر دانشجویان، در آموزش‌های دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران بعد از روش سنتی سخنرانی استاد از روش‌هایی مثل نوشتن طرح تجاری، دعوت از سخنران مهمان،

ایجاد شبکه‌های ارتباطی و بازدیدهای مطالعاتی استفاده شده است (میزان تجربی و سنتی بودن روش‌ها طبق نظر پژوهش‌گران در جدول شماره دو قابل مشاهده است).

به‌منظور بررسی تفاوت میزان پیشرفت کارآفرینی دانشجویان دو دانشکده از آنها خواسته شد تا وضعیت پیشرفت خود را در طیفی پنج مرحله‌ای شامل عدم تصمیم در مورد راه‌اندازی کسب و کار، به‌دنبال یافتن ایده برای کسب و کار، در حال راه‌اندازی کسب و کار، تاسیس کسب و کار مورد نظر و در حال توسعه کسب و کار مورد نظر مشخص کنند. نتایج تحلیل داده‌ها نشان داد که هیچ‌کدام از اعضای نمونه به عقب بازگشت نداشته و به‌طور میانگین حداقل یک مرحله پیشرفت داشته‌اند. نتایج به‌دست آمده به‌شرح زیر است؛

جدول ۵- مقایسه پیشرفت کارآفرینی دانشجویان در دانشکده مدیریت دانشگاه علامه طباطبایی و

دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران

دانشکده کارآفرینی تهران		دانشکده مدیریت علامه طباطبایی		میزان پاسخ	ردیف
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی		
۲۳/۱٪	۵۱	۴۰/۹٪	۲۷	بدون حرکت	۱
۳۷/۲٪	۸۲	۳۹/۳٪	۲۶	یک گام به جلو	۲
۲۱/۸٪	۴۸	۱۵/۱٪	۱۰	دو گام به جلو	۳
۱۱/۳٪	۲۵	۴/۵٪	۳	سه گام به جلو	۴
۶/۳٪	۱۴	۰٪	۰	چهار گام به جلو	۵
۱۰۰	۲۲۰	۱۰۰	۶۶	جمع	
۱/۴		۰/۸۳		میانگین تعداد گام‌ها	

از پاسخ‌ها می‌توان اینچنین دریافت که به‌طور میانگین در هر دو گروه پیشرفت‌هایی وجود دارد، اما همان‌طور که ملاحظه می‌شود میانگین پیشرفت در گروه دوم بیشتر از گروه اول است.

فرضیه پژوهشی آزمون به‌صورت زیر می‌باشد؛

$$\begin{cases} H_0: \mu_1 = \mu_2 \\ H_1: \mu_1 \neq \mu_2 \end{cases}$$

یافته‌های آماری به صورت زیر می‌باشد؛

$$Z = \frac{(\bar{x}_1 - \bar{x}_2)}{\sqrt{\frac{(s_1)^2}{n_1} + \frac{(s_2)^2}{n_2}}}$$

$$Z = \frac{0/83 - 1/4}{\sqrt{\frac{1/3}{66} + \frac{1/31}{220}}} = ۲/۱۱$$

چون آماره آزمون در منطقه بحران ($Z \leq -۱/۹۶$ و $Z \geq ۱/۹۶$) قرار می‌گیرد؛ فرضیه H. رد می‌شود و با احتمال ۹۵٪ می‌توان نتیجه گرفت تفاوت میان میانگین دو گروه معنادار است.

بنابراین با توجه به تفاوت روش‌های آموزشی مورد استفاده برای دو گروه و تفاوت معنادار میان میانگین پیشرفت دانشجویان می‌توان نتیجه گرفت که استفاده بیشتر از روش‌های تجربی بر پیشرفت دانشجویان مؤثر خواهد بود (البته این تفاوت پیشرفت می‌تواند ناشی از عوامل دیگری نیز باشد که به دلیل موضوع خاص تحقیق در این مقاله به عوامل احتمالی دیگر پرداخته نخواهد شد).

در تحلیل سؤالات باز مشخص شد که دانشجویان اعتقاد دارند تجارب کسب شده به وسیله حضور در کسب و کارهای مختلف در کنار تجربه‌های کسب شده در محیط دانشگاهی، تأثیر به‌سزایی بر پیشرفت آنها داشته است. آنها علاوه بر تجارب، نقش شبکه‌های اجتماعی ایجاد شده، انجام مطالعات موردی و نوشتن طرح تجاری به وسیله دانشجویان و اعتماد به نفس را در پیشرفت کارآفرینی خود مؤثر دانسته و معتقدند عمده‌ترین موانع در اجرای روش یادگیری تجربی شامل موارد زیر است؛ محدودیت‌های مالی دانشگاه در راستای فراهم آوردن امکانات شبیه‌سازی فضای کسب و کار و عدم استفاده از کارگاه‌های آموزشی، نظری بودن صرف کلاس‌ها، نآشنا بودن تعداد زیادی از اساتید با محیط واقعی کار برای راهنمایی دانشجویان در زمینه کسب و کار، بی‌انگیزه بودن اساتید و برخی از دانشجویان (در بعضی موارد حتی به دلیل اشتغال به کار).

۵- نتیجه‌گیری و پیشنهاد

در طول دهه‌های اخیر بحث مداومی درباره آموزش کارآفرینی، اینکه آیا می‌توان آن را تدریس کرد، چگونگی تدریس آن و اینکه چه چیزی باید تدریس شود، وجود داشته است. پیت وی و کپ (۲۰۰۷) در بررسی‌های خود به این نتیجه رسیدند که آموزش کارآفرینی بر تمایل و قصد کارآفرینانه دانشجویان تأثیر می‌گذارد. آنها تأثیر آموزش کارآفرینی بر رفتار کارآفرینانه را مبهم یافتند. لیندوم و برگن (۲۰۱۰) در پژوهش خود نشان دادند که آموزش آکادمیک کارآفرینی بر رفتار دانشجویان تأثیر مثبتی گذاشته و به شروع کسب و کار آنها کمک می‌کند [۱۸]. علی‌رغم تنوع بالای روش‌های آموزش کارآفرینی، روش تدریس استاندارد جهانی در زمینه آموزش کارآفرینی وجود ندارد و چنانچه مدرسین از اصول و مفاهیم برگزاری دوره‌های کارآفرینی مطلع باشند ولی شیوه‌ای صحیح برای انتقال این مفاهیم به کار نبنند، هیچ تضمینی برای اثربخشی این دوره‌ها وجود ندارد [۱]. به‌منظور ایجاد فرهنگ کارآفرینی در بین دانشجویان، مدرسین باید با جدیدترین شیوه‌های تدریس که بتواند دانشجویان را به سمت کارآفرینی سوق دهد آشنایی داشته باشند [۴]. اسپچ و سندلین (۱۹۹۱) و مک مولان و بوبرگ (۱۹۹۱) نشان دادند که برنامه آموزشی از تدریس سنتی به سمت روش‌های بیشتر مبتنی بر تجربه حرکت کرده است. روش‌هایی که در آنها ماندگاری، درک مفاهیم و به‌کارگیری دانش افزایش یافته است. مفاهیم از درک بیشتر واقعیت کسب می‌شوند که خود زمینه مناسب‌تری را برای کسب دانش در فرد به‌وجود می‌آورد [۱۰].

این پژوهش با هدف بررسی تأثیر استفاده از یادگیری تجربی بر پیشرفت کارآفرینی دانشجویان انجام شده و در آن به تأثیر استفاده از سبک‌های مختلف بر پیشرفت کارآفرینی دانشجویان در دو دانشکده پرداخته شد. طبق یافته‌ها علی‌رغم تأکید صاحب‌نظران بر استفاده بیشتر از روش‌های فعال و تجربی برای آموزش کارآفرینی در دوره مورد مطالعه (کارشناسی ارشد مدیریت کارآفرینی)، هم‌چنان در برخی از دانشگاه‌ها از جمله دانشگاه علامه طباطبایی روش‌های آموزشی سنتی مثل استفاده از سخنرانی و جزوات و امتحانات متداول‌ترین روش‌ها برای آموزش کارآفرینی به حساب می‌آیند. در صورتی که به گفته گیب (۲۰۰۲) پیش‌نیاز کارآفرینی موفقیت‌آمیز، نه تنها کسب دانش (از لحاظ علمی) بلکه شیوه‌های جدید تفکر، کسب انواع مهارت‌های جدید و انجام سبک‌های رفتاری جدید (از لحاظ هنری) را نیز در بر می‌گیرد. رویکردهای کارآفرینانه باید مکمل روش‌های قدیمی تدریس

شوند[۱۱]. مشاهدات حاکی از آن بود که چنانچه برنامه‌های آموزشی، زمینه‌ای را برای کسب تجربه فراهم آورند و دانشجویان را بیشتر با محیط کسب و کار واقعی آشنا کنند، به پیشرفت بیشتری در کارآفرینی یادگیرندگان منجر خواهند شد. با توجه به موارد پیش‌گفته، پیشنهادهای زیر می‌تواند مورد توجه قرار گیرد؛

- توجه بیشتر مسئولین نظام آموزشی به لزوم تغییر در برنامه‌های آموزشی کارآفرینی به سمت آموزش‌های تجربی و مهارت‌محور.

- استفاده از اساتید کارآفرین و یا آشنا به بازار کسب و کار برای آموزش کارآفرینی.

- فراهم‌آوردن محیط‌های شبیه‌سازی شده کسب و کار برای دانشجویان به‌وسیله کارآموزی در شرکت‌های کارآفرین و تازه تاسیس.

- فراهم‌آوردن تسهیلات مالی و قانونی برای آغاز کسب و کار دانشجویان به‌منظور افزایش تجربه کارآفرینی آنها همزمان با یادگیری مباحث دانشگاهی.

۶- منابع

[۱] آراستی، زهرا و کیانی، منصوره و ایمانی پور، نرگس، "شیوه‌های تدریس در آموزش کارآفرینی" ارائه‌شده در اولین کنفرانس مدیریت، نوآوری و کارآفرینی شیراز، ۱۳۸۹.

[۲] پرهیزگار، م و آقاجانی، ع و فرجی، ا، "ارائه الگویی یکپارچه از فرآیند یادگیری کارآفرینانه" ارائه‌شده در اولین کنفرانس مدیریت، نوآوری و کارآفرینی شیراز، ۱۳۸۹.

[۳] رستمی، فرخنده، پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان "زمینه‌یابی آموزش‌های دانشگاهی در پرورش روحیه کارآفرینی دانشجویان دانشگاه مازندران" دانشگاه مازندران، ۱۳۸۹.

[۴] زرافشانی، کیومرث و محمدی، سمیره و بارانی، شهرزاد، "ارائه راهبردهای تدریس اثربخش در دوره‌های آموزش کارآفرینی دانشگاه‌ها" ارائه شده در اولین کنفرانس مدیریت، نوآوری و کارآفرینی شیراز، ۱۳۸۹.

[۵] Arthur, S and Hisrich, R and Cabrera, A, "The importance of education in the entrepreneurial process: a world view", *Journal of Small Business and Enterprise Development*, Vol. ۱۹ Iss: ۳, pp. ۵۰۰ - ۵۱۴, ۲۰۱۲.

- [۶] Burton, J and A. Swanson, L, “entrepreneurial attitudes of university students” *International journal of entrepreneurship and small business* , Vol. ۱۶.۲۰۱۲, ۳, pp. ۲۸۳-۲۹۸, ۲۰۱۰.
- [۷] C. Carland, J W. Carland, J, “*entrepreneurship education: An integrated approach using an experiential learning paradigm*” Paper presented at The Premier Conference on Entrepreneurship Education and Training, IntEnt⁹⁷, Monterey, California, ۱۹۹۷.
- [۸] Cheng, m and Chan, W and Mahmood, A, “The effectiveness of entrepreneurship education in Malaysia”, *Education + Training*, Vol. ۵۱ Iss: ۷ pp. ۵۵۵ – ۵۶۶, ۲۰۰۹.
- [۹] Cheung, C. “Entrepreneurship education in Hong Kong's secondary curriculum: Possibilities and limitations” *Education + Training*, Vol. ۵۰ Iss: ۶ pp. ۵۰۰ – ۵۱۵, ۲۰۰۸.
- [۱۰] Fayolle, A, “*Handbook of research in entrepreneurship education*” , volume ۱ , pp ۱۷۰-۱۷۵, ۲۰۰۷.
- [۱۱] Heinonen, J and Poikkijoki, S., “An entrepreneurial-directed approach to entrepreneurship education: mission impossible?” *Journal of Management Development*, Vol. ۲۵ Iss: ۱ pp. ۸۰ – ۹۴, ۲۰۰۶.
- [۱۲] Martirz, A and Brown Chris “Blended learning in Entrepreneurship education”, International Conference of Organizational Innovation, Bangkok, Thailand, ۰۴-۰۶ August ۲۰۱۰, vol. ۲ , pp. ۸۳-۹۳, ۲۰۱۰.
- [۱۳] Martirz, A and Brown Chris, “illuminating the black box of entrepreneurship education programs”, *Journal of Education + Training* Vol. ۵۵ No. ۳, ۲۰۱۳ pp. ۲۳۴-۲۵۲, ۲۰۱۳.
- [۱۴] Ruskovaara, E and Pihkala, T, “Teachers implementing entrepreneurship education: classroom practices” *Journal of Education + Training* Vol. ۵۵ No. ۲, ۲۰۱۳ pp. ۲۰۴-۲۱۶, ۲۰۱۳.
- [۱۵] Shen, pi and chai-lip, “Changing Entrepreneurial Perceptions and Developing Entrepreneurial, Competencies through Experiential Learning” *Journal of Asia Entrepreneurship and Sustainability*, Vol. ۲ Iss: ۲, pp ۱۶۲-۱۹۱, ۲۰۰۶.

- [۱۶] Taatila, v , “Learning entrepreneurship in higher education”, *Education + Training*, Vol. ۵۲ Iss: ۱ pp. ۴۸ – ۶۱, ۲۰۱۰.
- [۱۷] Tam, H, “How and to What Extent Does Entrepreneurship Education Make Students More Entrepreneurial?” A Dissertation submitted in partial satisfaction of the requirements for the degree Doctor of Philosophy in Education, ۲۰۰۹.
- [۱۸] Ulvenblad, P and Berggren, E and Winborg, j, “The role of entrepreneurship education and start-up experience for handling communication and liability of newness”, *International Journal of Entrepreneurial Behavior & Research*, Vol. ۱۹ Iss: ۲, pp. ۱۸۷ - ۲۰۹, ۲۰۱۳.